

حکم فقهی مجسمه‌سازی و نقاشی (کتاب)

نویسنده خلاصه: محمدجواد احمدخانی
نویسنده کتاب: صدیقه چالویی

چکیده

حکم فقهی مجسمه‌سازی و نقاشی کتابی فارسی در زمینه فقه هنر است که با توجه به گسترش روزافزون استفاده از هنر مجسمه‌سازی و نقاشی در فرهنگ امروزه و صنعتی شدن تولید آن، به بررسی حکم شرعی تولید، خرید و فروش و نگهداری محصولات منتج از این دو هنر می‌پردازد. صدیقه چالویی نویسنده کتاب معتقد است امروزه نقاشی و مجسمه‌سازی دیگر مفسده شرک و بت‌پرستی و ترویج عقائد ناروا را ندارند و چه بسا وسیله‌ای برای تقویت و ترویج فرهنگ دینی و اسلامی باشند؛ به همین دلیل از نظر حکم تکلیفی حرمتی برای مجسمه‌سازی و نقاشی وجود ندارد و از نظر حکم وضعی نیز این کار و محصولات آن قابلیت خرید و فروش، اجاره و نگهداری دارد.

در این کتاب با استفاده از آیات قرآن، روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، نظرات فقها و اصول فقهی، به تحلیل حکم این هنرها از دیدگاه شریعت اسلامی پرداخته شده است. نویسنده تلاش کرده تا با دسته‌بندی روایات و تحلیل فقهی آنها، به تبیین دیدگاه‌های مختلف در مورد مشروعیت یا حرمت مجسمه‌سازی و نقاشی بپردازد. علاوه بر این، به موضوعاتی همچون تفاوت میان مجسمه‌سازی و نقاشی، مفهوم تمثیل در متون دینی، و ارتباط این احکام با مسائلی همچون بت‌پرستی و توحید اشاره شده است. در نهایت، نویسنده تلاش دارد تأثیر این احکام را بر زندگی معاصر و هنر اسلامی بررسی کرده و نتایجی کاربردی برای جامعه امروز ارائه دهد.

معرفی اجمالی و ساختار

کتاب حکم فقهی مجسمه‌سازی و نقاشی تألیف صدیقه چالویی به بررسی احکام فقهی مرتبط با هنرهای تصویری و تجسمی از دیدگاه فقهای امامیه می‌پردازد. این کتاب توسط انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۹۵ ش منتشر شده است. احمدعلی قانع نیز ویرایش و تصحیح علمی این کتاب را برعهده داشته است. روش تحقیق این کتاب توصیفی-تحلیلی است. نویسنده با جمع‌آوری آرای فقهی درباره موضوع مورد بحث، به تحلیل محتوایی آن می‌پردازد (ص ۲۱). به باور نویسنده استفاده روزافزون از مجسمه و کشیدن نقاشی در فرهنگ امروز و صنعتی شدن این هنرها، ضرورت بررسی حکم شرعی آن را دو را با توجه به شرایط زمانی و مکانی جدید دوچندان کرده است (ص ۱۹).

ساختار

کتاب در دو بخش کلی و چهار فصل تدوین شده و به بررسی مفاهیم، مستندات فقهی و نظریات مرتبط با موضوع می‌پردازد. در بخش نخست ذیل دو فصل، ابتدا کلیات و تعاریف ارائه شده و سپس ارتباط این هنرها با فقه اسلامی، ازجمله حکم نقاشی، مجسمه‌سازی، داستان مصور، عکاسی، هولوگرام و تئاتر عروسکی، تحلیل شده است (ص ۲۳-۴۶). در فصل دوم این بخش نیز به ضرورت پژوهش‌های فقهی در حوزه هنر و تأثیرات فرهنگی و

اعتقادی هنرهای تصویری پرداخته و مفاهیمی مانند "صورت" و "تمثال" را در متون تفسیری، روایات و آثار فقها بررسی می‌کند (۷۳-۴۷).

بخش دوم کتاب به بررسی نظریات فقهای امامیه درباره حکم نقاشی و مجسمه‌سازی اختصاص دارد و شامل دو فصل اصلی است. ابتدا به بیان نظریات فقهای امامیه درباره نقاشی و مجسمه‌سازی می‌پردازد و در پایان، مقایسه‌ای اجمالی بین نظرات فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت ارائه شده است (۷۵-۱۰۲). فصل پایانی و اصلی کتاب نیز به بررسی مبانی و مستندات نظریات فقهی امامیه در مورد حکم مجسمه‌سازی و تصویرگری اختصاص دارد. این فصل شامل تحلیل روایات مرتبط با حرمت یا جواز این هنرها، بررسی اجماع فقها و تحلیل ادله قائلان به جواز یا حرمت است. نویسنده تلاش دارد تا با ارائه مستندات فقهی و تاریخی، چارچوبی دقیق برای بررسی فقهی هنرهای تصویری و تجسمی ارائه دهد (ص ۱۰۳-۱۷۸).

ضرورت پژوهش‌های فقهی در زمینه هنر با باور نگارنده امروزه با توجه به رواج مسائل کمی و کیفی جدید در زمینه فقه هنر و تغییر ماهیت آنها و همچنین گسترش حضور هنر در تمامی عرصه‌های زندگی بشر، نیازمند پژوهش‌های جدید در این زمینه هستیم و تحقیقات فقهای گذشته دیگر پاسخگوی نیازهای جدید نیست. به گفته او با تغییر ماهوی در استفاده از برخی هنرها مانند مجسمه‌سازی (فرهنگ بت‌پرستی) و استفاده عقلانی از این نوع هنر در زمینه‌هایی مانند حفظ آثار فرهنگی، تجلیل از بزرگان و انتقال مفاهیم فرهنگی، نیاز به بازپژوهی در احکام گذشته درباره این آنها وجود دارد. نکته دیگر مورد اشاره نویسنده این است که باید بابتی مستقل در فقه تحت عنوان فن هنر گشوده شود (ص ۴۷-۴۹).

دیدگاه‌های فقها درباره نقاشی و مجسمه‌سازی
نظرات فقهای امامیه

نویسنده به پنج نظریه اصلی از سوی فقهای امامیه اشاره می‌کند:

نظریه حرمت مطلق تصویر، اعم از مجسمه یا نقاشی، چه جاندار و چه بی‌جان: فقهایمانند ابوصلاح حلبی و قاضی ابن براج معتقدند که تصویرسازی حتی برای اهداف غیرعبادی حرام است (ص ۷۷-۷۹).

نظریه حرمت تصویر جانداران: فقهایمانند شیخ انصاری و محقق کرکی استدلال می‌کنند که تصویرسازی جانداران، ممکن است به تشبه به خالق منجر شود (ص ۷۹-۸۳).
نظریه حرمت مطلق مجسمه‌سازی، اعم از مجسمه‌های جاندار و بی‌جان: فقهایمانند شیخ مفید و شیخ طوسی معتقدند که مجسمه‌سازی به خودی خود حرام است (ص ۸۴-۸۷).

نظریه حرمت مجسمه‌سازی جانداران: فقهایمانند صاحب جواهر و سید علی طباطبایی تنها مجسمه‌سازی موجودات جاندار را حرام می‌دانند (ص ۸۷-۹۰).

نظریه عدم حرمت مطلق تصویر، اعم از مجسمه یا نقاشی، چه جاندار و چه بی‌جان: فقهایمانند شیخ طوسی و امین الاسلام طبرسی، تصویرسازی حرام نمی‌دانند؛ مگر اینکه برای اهداف حرام مانند بت‌پرستی استفاده شود (ص ۹۰).

نظرات فقهای اهل سنت

بر اساس گزارش نویسنده، فقهای اهل سنت معمولاً تصویرسازی و مجسمه‌سازی را به دو دسته کلی تصویر موجودات جاندار و تصویر موجودات غیرجاندار تقسیم می‌کنند و بیشتر بر هدف و استفاده از تصویرسازی تأکید دارند؛ یعنی اگر تصویرسازی به بت‌پرستی یا اهداف نادرست منجر نشود، آن را جایز می‌شمارند و در غیر این صورت حرام است. مالکیه نقاشی و مجسمه‌سازی را به چهار شرط حرام می‌داند؛ مربوط به حیوان باشد، سه بعدی باشد، دارای اعضای کامل باشد و دارای سایه باشد. شافعیه و حنابله تصویرسازی جانداران را حرام می‌دانند، مگر در مواردی مانند نقاشی بر روی فرش یا پشته‌ها که پایمال می‌گردند. آنان تصویرسازی غیر جانداران را جایز می‌دانند. حنفی‌ها تصویرسازی غیرجانداران را کاملاً جایز می‌شمارند (ص ۹۶-ص ۱۰۱).

مستندات نظریه حرمت تصویر نزد فقهای امامیه نویسنده کتاب در فصل چهارم به بررسی مستندات نظرات فقهای امامیه درباره حکم مجسمه‌سازی و نقاشی می‌پردازد. او در این فصل ابتدا به صورت مفصل روایات مورد استناد بر حرمت مطلق تصویر، حرمت مجسمه‌سازی و نقاشی جانداران، حرمت مجسمه‌سازی جانداران، حرمت نگهداری مجسمه و تصویر و روایات جواز نگهداری را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس به دلیل اجماع می‌پردازد و در نهایت دلائل قائلان به جواز مجسمه‌سازی و نقاشی را تحلیل می‌کند.

روایات دال بر حرمت مطلق تصویرگری نویسنده، حرمت مطلق تصویر از منظر فقهای امامیه را مبتنی بر چند دسته روایات دانسته و آن‌ها را از نظر سند و دلالت بررسی کرده است؛

روایات دستور پیامبر(ص) به تخریب تصاویر: نویسنده با بررسی سندی، ضعف برخی از راویان مانند سکونی و سهل بن زیاد را مطرح کرده و اعتبار این احادیث را مورد تردید قرار داده است.

روایات عدم ورود فرشتگان به خانه‌ای که در آن تصاویر است: نگارنده ضمن بررسی سندی، اشاره می‌کند که برخی فقها این احادیث را حمل بر کراهت کرده‌اند.

روایات نهی از تزئین خانه با تصاویر (تزویق البیوت): نویسنده با اشاره به ضعف سندی روایت (به‌خاطر وجود راویان واقفی)، استناد به آن را برای اثبات حرمت مشکل می‌داند.

روایات تکلیف صورت‌گران به دمیدن روح در آثار خود در قیامت: نویسنده از نظر سندی ضعف برخی راویان را نشان داده و از نظر دلالتی احتمال حمل این احادیث به‌خاطر کلمه عمل الصور بر مجسمه‌سازی را مطرح می‌کند.

روایات کراهت تصویر در خانه: نویسنده توضیح می‌دهد که کراهت در اینجا به معنای عدم حرمت است و این روایات نمی‌توانند دلیل بر تحریم باشند.

روایت خروج تصویرگر از اسلام: نویسنده ضمن بررسی ضعف سندی این روایت، بیان می‌کند که خروج از اسلام معمولاً درباره مشرکان و بدعت‌گذاران مطرح شده و برخی فقها این روایت را مربوط به بت‌سازی دانسته‌اند (ص ۱۰۳-۱۲۲).

روایات حرمت تصویرگری جانداران نویسنده در ادامه به روایاتی اشاره می‌کند که در آن‌ها مجسمه‌سازان و صورت‌گران در روز قیامت مکلف می‌شوند که در ساخته‌های خود روح بدمند اما از این کار عاجز خواهند بود، و این عجز سبب عذاب آنان خواهد شد. نویسنده بیان می‌کند که این روایات به لحاظ سندی

اشکال دارند و در میان آنها سند معتبری وجود ندارد (ص ۱۲۲-۱۲۴). وی همچنین از لحاظ دلالتی باور دارد که پذیرفتن اطلاق این روایات مشکل است (ص ۱۲۷).

او همچنین به روایاتی اشاره می‌کند که ساختن و کشیدن تصویر غیرجانداران، مانند درختان، خورشید و ماه را جایز می‌دانند. به گفته نویسنده، فقها با استدلال بر اساس مفهوم مخالف این‌گونه روایات که تصویر غیرجانداران را جایز دانسته‌اند، معتقدند که تصویر جانداران جایز نیست. نویسنده در مقابل به سخن امام خمینی (ره) در نقد این روایات می‌پردازد که این روایات در مقام بیان یک واقعه تاریخی هستند و به روشنی معلوم نیست که بر حرمت تصویرگری جانداران دلالت داشته باشند (ص ۱۳۱). در نهایت نویسنده نتیجه می‌گیرد که از این روایات استدلال قطعی برای تحریم مطلق مجسمه‌سازی و نقاشی جانداران به دست نمی‌آید؛ بلکه تصویرگری یک هنر است که اگر محتوای صحیح داشته باشد، جایز خواهد بود (ص ۱۳۷).

نویسنده در بررسی ادله و استدلال‌های فقهای امامیه در مورد حرمت یا جواز مجسمه‌سازی و نقاشی جانداران، با اشاره به اختلاف نظر فقها در این موضوع، ابتدا به روایات دال بر حرمت مجسمه‌سازی جانداران اشاره می‌کند و سپس به نقد و بررسی این روایات و استدلال‌های فقها می‌پردازد. او در این زمینه به ادله شیخ انصاری در حرمت نقاشی جانداران اشاره می‌کند و روایات مورد استناد شیخ انصاری را از نظر سندی ضعیف می‌داند و معتقد است نهی مورد تأکید روایات ممکن است به دلیل منع از اسراف و تجمل‌گرایی باشد، نه حرمت نقاشی. نویسنده در نهایت پس از بیان ادله شیخ انصاری نتیجه می‌گیرد که ادله مورد استناد بر حرمت نقاشی جانداران، یا از نظر سندی ضعیف هستند یا از نظر دلالتی بر آنها خدشه وارد است. بنابراین، این ادله نمی‌توانند به عنوان دلیل محکم برای اثبات حرمت نقاشی جانداران مورد استناد قرار گیرند. او معتقد است که این روایات بیشتر مورد استناد قائلان به حرمت مجسمه‌سازی است و نمی‌توان از آنها حرمت نقاشی را هم استنباط کرد (ص ۱۳۷-۱۴۶).

روایات حرمت نگهداری مجسمه و نقاشی

نویسنده ابتدا به دیدگاه متقدم مانند شیخ مفید و شیخ طوسی اشاره می‌کند که ساخت بت‌ها، صلیب‌ها، مجسمه‌ها و ابزار قمار مانند شطرنج و نرد را حرام می‌داند و خرید و فروش آنها را نیز حرام می‌شمارند (ص ۱۴۶-۱۴۷). سپس به بررسی دلایل موافقان حرمت مجسمه‌سازی و نقاشی می‌پردازد. این دلایل عمدتاً بر پایه روایاتی است که مجسمه‌ها و تصاویر را ذاتاً مبغوض خداوند می‌دانند و بنابراین ساخت و نگهداری آنها نیز حرام است. او در این باره به نظر امام خمینی نیز می‌پردازد که می‌گوید محل بحث، مواردی است که قرینه قائم شده که محرم و مبغوض مولی معنای مصدری (یعنی ایجاد) است نه ماهیت به وجود استمرارش» (ص ۱۴۷). در ادامه نویسنده به روایاتی اشاره می‌کند که نگهداری مجسمه‌ها و تصاویر جانداران را حرام می‌دانند، اما نگهداری مجسمه‌های غیرجانداران جایز است (ص ۱۴۹).

نویسنده معتقد است که بسیاری از روایاتی که به عنوان دلیل حرمت ذکر شده‌اند، از نظر سندی ضعیف هستند یا از نظر دلالتی قابل استناد نیستند. همچنین، نویسنده به تفکیک بین ایجاد و وجود اشاره می‌کند و می‌گوید که حرمت ایجاد یک شیء (مانند ساخت

مجسمه) لزوماً به معنای حرمت نگهداری آن نیست. به عنوان مثال، حرمت زنا به معنای حرمت نگهداری فرزند حاصل از زنا نیست. نویسندگان در نهایت به این نتیجه می‌رسد که دلایل موافقان حرمت نگهداری مجسمه و نقاشی از نظر سندی و دلالتی ضعیف هستند. وی معتقد است که حرمت ایجاد یک شیء لزوماً به معنای حرمت وجود آن نیست و بسیاری از روایات، دلالت بر کراهت نگهداری مجسمه و تصاویر دارند، نه حرمت آن‌ها. در نهایت، نویسندگان تأکید می‌کنند که اگر مجسمه و نقاشی برای اهداف مشروع و مفید استفاده شوند، جایز هستند، اما اگر برای ترویج باطل و شرک استفاده شوند، حرام خواهند بود. (ص ۱۵۷)

روایات جواز نگهداری مجسمه و تصاویر نویسندگان در این بخش با طرح روایات متعدد و تحلیل آن‌ها، نتیجه می‌گیرد که نگهداری تصاویر و مجسمه‌ها در خانه جایز است، هرچند ممکن است در برخی شرایط کراهت داشته باشد. او در ادامه به بررسی دیدگاه فقها درباره این روایات پرداخته و با استناد به نظر شیخ انصاری بیان می‌کند که اگر اخبار دال بر منع نگهداری مجسمه و تصاویر را بپذیریم، این اخبار با روایات دیگری که جواز را اثبات می‌کنند، تعارض دارند. او در مقام جمع بین روایات معتقد است که روایات جواز، هم از نظر تعداد و هم از نظر دلالت قوی‌تر هستند (ص ۱۶۲) نویسندگان به نقل از امام خمینی بیان می‌کنند که این روایات فی‌الجمله بر جواز نگهداری تصاویر و مجسمه‌ها دلالت دارند هرچند نگهداری آن‌ها در خانه مکروه است (ص ۱۶۴). او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که اگر روایاتی بر حرمت نگهداری هم وجود داشته باشند، باید حمل بر کراهت شوند (ص ۱۶۳).

بررسی دلیل اجماع بر اساس گزارش کتاب، محقق کرکی نخستین فقیهی است که به صراحت از اجماع بر حرمت مجسمه‌سازی صحبت کرده است. او در جامع المقاصد آورده که یکی از اقسام چهارگانه تصویرگری، یعنی مجسمه‌سازی جانداران، به اجماع فقها حرام است. نویسندگان همچنین به نظرات محقق اردبیلی، سید محمدجواد عاملی، صاحب جواهر و محقق سبزواری اشاره می‌کنند که بر این باورند هیچ‌گونه مخالفی نسبت به حرمت مجسمه‌سازی حیوانات وجود ندارد. نویسندگان همچنین به نظر شهید ثانی اشاره می‌کنند که بدون هیچ تردیدی، صورتگری جانداران را حرام دانسته و در موارد خاص مانند مساجد آن را به‌طور ویژه ممنوع می‌داند. نویسندگان در ادامه به برخی نقدها و دیدگاه‌های مخالف نیز اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، او نقل می‌کند که امام خمینی اجماع بر حرمت مجسمه‌سازی را مدرکی می‌داند و آن را به عنوان دلیلی مستقل نمی‌پذیرد. او در ادامه به دیدگاه فقهایی چون شیخ طوسی در برخی آثارش و امین‌الاسلام طبرسی اشاره می‌کند که نظر متفاوتی نسبت به اجماع دارند و حتی به جواز ساخت مجسمه اشاره کرده‌اند.

نویسندگان نتیجه‌گیری می‌کنند که هرچند بسیاری از فقها اجماع بر حرمت مجسمه‌سازی را مطرح کرده‌اند، اما باید توجه داشت که این اجماع به‌طور قطعی مورد پذیرش همه فقها قرار نگرفته و اشکالاتی بر آن وارد است. به ویژه فقهایی مانند امام خمینی این اجماع را مدرکی و فاقد اعتبار مستقل از روایات دانسته‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اجماع بر حرمت مجسمه‌سازی همچنان مورد تردید و اختلاف نظر است (ص ۱۶۴-۱۷۱).

دلائل قائلان به جواز مجسمه‌سازی و نقاشی نویسندگان در ادامه به بررسی نظرات فقهای پرداخته که بر خلاف اکثریت، به جواز مجسمه‌سازی و نقاشی قائل هستند. او این گروه از فقها را به دلیل استفاده از دلالت‌های عقلی، به جای اتکا به اجماع و روایات، متمایز می‌داند. به طور خاص، نویسندگان اشاره می‌کند که این گروه از فقها اجماع را به دلیل نارسایی‌های آن، به عنوان دلیلی معتبر نمی‌پذیرند، چراکه اجماع محصل نبوده و صرفاً مدرکی است. همچنین، روایاتی که در مورد حرمت مجسمه‌سازی و نقاشی وجود دارند، برخی از نظر سندی و برخی از نظر دلالتی قابل خدشه‌اند و نمی‌توان به آنها استناد کرد.

نویسندگان تأکید می‌کند که این گروه از فقها معتقدند، مجسمه‌سازی و نقاشی از احکام تعبدی محض نیستند و ملاک آنها قابل درک عقلی است. به عبارت دیگر، این احکام به گونه‌ای نیستند که تنها از طریق نقل و وحی قابل درک باشند؛ بلکه عقل انسان قادر است به مناط آنها پی ببرد. در همین راستا، این گروه از فقها به تأثیر زمان و مکان در استنباط احکام توجه دارند و معتقدند که با تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی، ممکن است حکم‌ها نیز تغییر کنند (ص ۱۷۱).

نویسندگان همچنین به برخی ملاک‌ها و مناط‌های فقهای شیعه و سنی در رابطه با حرمت مجسمه‌سازی و نقاشی اشاره می‌کند. اولین ملاک، همانندی به خلق خدا و آفریدن است که در روایات به آن اشاره شده است. او بیان می‌کند که این روایات از نظر دلالت و سند ضعیف هستند و از نظر مبانی اسلامی، هیچ دلیل عقلی برای ممنوعیت مشابهت به آفریده‌های الهی وجود ندارد، مگر اینکه این عمل به قصد مخالفت با خدا انجام شود. دومین ملاک، همانندی به خالق و رویارویی با خدا است. نویسندگان اشاره می‌کند که در صورتی که هنر در خدمت اهداف انسانی عالی باشد و از آن برای معرفی عظمت خداوند استفاده شود، هیچ دلیلی برای منع آن وجود ندارد. سومین ملاک، شگفت‌آور بودن مجسمه‌ها است که به نظر نویسندگان هیچ دلیل شرعی یا عقلی بر حرمت آن وجود ندارد (ص ۱۷۲-۱۷۴).